



11.11.11

۸۷/۱/۱۵۱۹۳

۸۷۸۲۶



دانشگاه قم
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی تطبیقی روح در قرآن و عهدین

استاد راهنما:

دکتر غلامحسین اعرابی

استاد مشاور:

دکتر محمد جواد نجفی

نگارنده:

سید عبدالمناف سجادی زاده

پاییز ۱۳۸۲

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۳۵

آقای سعادت بزرگ علی بیان
نماینده

۱۱۰۸۷۷



برگشت

تاریخ:

شماره:

پیوست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل... تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: سجادی زاده سید عبدالمناف

رشته: علوم قرآن و حدیث به شماره دانشجویی: ۸۵۱۳۸۰۱۰۱۳

تحت عنوان: بررسی تطبیقی روح در قرآن و عهدین

با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۷/۱۰/۰۹ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۷۷۵

نمره به حروف **هفتاد و هفت** را با درجه **ب** دریافت نمود.

نام خانوادگی و نام	سمت	رتبه علمی	امضاء
اعرابی غلامحسین	استاد راهنما	استادیار	
نجفی محمد جواد	استاد مشاور	استادیار	
مفتح محمد هادی	استاد ناظر	استادیار	
تجری محمد علی	استاد ناظر	استادیار	
وزیری فرد سید محمد جواد	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۳

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

۲۸۵۵۶۸۴ معاونت آموزشی

۲۸۵۵۶۸۶ معاونت اداری

۲۸۵۵۶۸۸ معاونت دانشجویی

تقدیم به:

ستارگان درخشان زندگی ام پدر و مادر عزیزم

و همسر مهربانم

تقدیر و تشکر:

پس از حمد و ثنای الهی بر خود لازم می دانم که سپاسی داشته باشم از تمامی اساتید هیئت علمی علوم قرآن و حدیث که شش سال افتخار این داشتم که شاگرد این اساتید گرانسنگ باشم و بهره های وافر از علوم دینی این عزیزان ببرم و همچنین باید از زحمات استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر غلامحسین اعرابی که با مذاقه ریزینانه پایان نامه نکاتی را ایراد نمودند که بسیار بجا و مثمر بود؛ تقدیر و تشکر داشته باشم و همچنین از زحمات استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر نجفی که پایان نامه را مورد بررسی قرار داده و نکاتی بجا ایراد کردند، تقدیر و تشکر دارم.

۱.....مقدمه

فصل اول

۲.....کلیات
۳.....بیان موضوع
۳.....سوالات اصلی
۳.....سوالات فرعی
۳.....فرضیه ها
۵.....سابقه و پیشینه
۵.....ضرورت و اهداف

فصل دوم

۶.....واژه شناسی روح
۷.....ریشه روح
۷.....معنای اصلی روح
۸.....معنای جانبی روح
۸.....سیر تطور واژه روح
۸.....معنای کاربردی روح در کلام عرب
۹.....وجوه معانی روح در قرآن
۱۳.....معنا شناسی روح در کتاب مقدس
۱۳.....چند نمونه از کاربردهای واژه روح در تورات و انجیل
۱۴.....اصطلاحات مرتبط با روح
۲۲.....نتیجه

فصل سوم

اثبات وجود روح قبل از جسم و اثبات فنای جسم و بقای روح با استناد به آیات قرآن و عهدین.....	۲۳
دلالت آیات قرآن بر خلقت ارواح و نفوس قبل از اجساد و ابدان آنها.....	۲۴
بیان کتابهای آسمانی در تقدم آفرینش ارواح و نفوس.....	۳۱
اعتقاد مسیحیان در مورد برزخ.....	۳۷
اعتقاد یهودیان در مورد برزخ.....	۴۰
آیات قرآنی که دلالت بر بقاء نفس در عالم دیگر بعد از خرابی بدن دارند.....	۴۱
بقاء روح و از بین رفتن جسم در عهد جدید.....	۴۹
دلالت عهد قدیم بر بقای نفس پس از فنای بدن.....	۵۳
نتیجه.....	۵۴

فصل چهارم

بررسی آرا مفسران در مورد روح.....	۵۵
دیدگاه مختلف مفسران در مورد روح مطلق، که مبدا حیات است.....	۵۶
دیدگاه مختلف مفسران در مورد روح مقید، که مرتبه ای نازل شده از روح مطلق است.....	۶۱
مطلق روح که امری کلی است و منطبق بر هر دو مصداق است.....	۷۳
معنای خلق و امر.....	۷۷
بازگشت خلق و امر به سوی خدا.....	۷۹
نتیجه.....	۸۳

فصل پنجم

ارتباط با ارواح.....	۸۴
ارتباط با ارواح در قرآن.....	۸۵
دلایل مخالفان ارتباط با ارواح.....	۹۳
ارتباط با روح در خواب و رویا.....	۱۰۷
بیان آیاتی در ارتباط با رویا در قرآن.....	۱۰۹
ملاقات ارواح مردگان با زندگان.....	۱۱۴
ارتباط با ارواح در جهان کنونی.....	۱۱۵

۱۱۸.....	ارتباط با ارواح در عهدین.....
۱۲۳.....	نتیجه.....

فصل ششم

۱۲۴.....	روحانی و جسمانی بودن معاد در قرآن و عهدین.....
۱۲۵.....	روز رستاخیز در قوم یهود.....
۱۲۷.....	روز رستاخیز در مسیحیت.....
۱۳۰.....	معاد جسمانی در ادیان.....
۱۳۳.....	بررسی آیات قرآن در مورد معاد جسمانی و روحانی.....
۱۴۴.....	روحانی و جسمانی بودن معاد در عهد قدیم (یهود).....
۱۴۷.....	جسمانی و روحانی بودن معاد در عهد جدید (مسیحیت).....
۱۵۱.....	بررسی واژه "کلمه" در قرآن و عهد جدید.....
۱۵۷.....	نتیجه.....
۱۵۸.....	منابع.....

چکیده:

در این پایان نامه بر آنیم که تفسیری روشن از روح با بررسی آن در قرآن و عهدین ارائه دهیم این اثر از شش فصل متشکل شده که به شرح ذیل است:

فصل اول: کلیات (شامل بیان موضوع، سوالات، فرضیه ها، پیشینه موضوع و ضرورت و اهداف است)

فصل دوم: به بررسی واژه ی روح پرداخته شده است که این واژه از چه لغتی مشتق گشته و معنای اصلی و جانبی و ابتدائی آن چیست؟ و با چه اصطلاحاتی ارتباط دارد؟ البته در آخر این فصل به این نتیجه خواهیم رسید که همین اصطلاحات مرتبط با آن، نیز تجلی واژه ی روح هستند.

فصل سوم: به بررسی تطبیقی در مورد وجود روح قبل از جسم، با استناد به آیات قرآن و عهدین؛ و همچنین به بررسی آیات دال بر بقاء روح و فنای جسم در این کتب مقدس پرداخته ایم.

فصل چهارم: به تحلیل آرا مفسران قرآن در مورد واژه روح پرداخته شده است. و از آن جهت که بحث روح یک بحث فلسفی است در این راستا تنها از سه تفسیر فلسفی: المیزان، روح المعانی آلوسی و تفسیر کبیر رازی بهره برده ایم.

فصل پنجم: به بررسی ارتباط با ارواح، اعم از ارتباط با ارواح مردگان با استناد به آیات قرآن و ارتباط با ارواح در عالم خواب با استناد به آیات قرآن و عهدین، به صورت تطبیقی مبادرت نموده ایم. فصل ششم: جسمانی و روحانی بودن معاد در قرآن و عهدین و اعتقاد به رستاخیز را از منظر ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت بررسی نموده ایم؛ و در پایان نیز به ارتباط میان "روح، کلمه و عیسی" با استناد به آیات قرآن و عهدین اشاره کرده ایم.

کلمات کلیدی: روح، قرآن، عهدین

از زمانیکه خدای متعال با وحی بر پیامبرانش از دمیدن روح خود در انسان خبر داد، واژه روح به عنوان یکی از واژه‌های پر رمز و راز در حوزه‌ی انسان‌شناسی مطرح شد و علاوه بر آن در تمام ادوار ذهن بشریت را به خود مشغول ساخته است و پس از آن فیلسوفان، متکلمان، عارفان و روان‌شناسان هر کدام نظرات خاصی را در بیان حقیقت روح ابراز داشتند علی‌رغم پاره‌ای از اشتراکات در کاربرد این واژه، تفاسیر متفاوتی از روح ارائه شده است. تمامی ادیانی که زندگی پس از مرگ را قبول داشته‌اند به روح نیز معتقد بودند. این اعتقاد به روح می‌تواند بر اثر اندیشه و تأمل در پدیده‌هایی مانند خوابیدن، خواب دیدن، و مرگ که مشابه یکدیگرند بوجود آمده باشد. با پژوهش در عقاید و آداب اقوام بدوی و مطالعه آثار بازمانده از انسان‌های ما قبل تاریخ می‌توان دریافت که عقیده به روح از عقاید اساسی آنها بوده است.

علاوه بر آن این واژه در زبان عبری و عربی با گویشی یکسان بکار گرفته شده است، در آیات قرآن و تورات و انجیل نیز با همین لفظ آمده و منشأ تفاسیر متفاوتی گشته است. در این پایان‌نامه بر آنیم که تصویری روشن از مفهوم و مصداق روح در قرآن ارائه نمائیم و آنرا با مفهوم روح در کتاب مقدس تطبیق دهیم.

واژه روح ۲۱ بار در قرآن بکار گرفته شده است گاهی به صورت مقید و مضاف مانند روح القدس، روح الامین، روحی، روحنا و گاهی هم بدون اضافه و قید است.

فصل اول

کلیات

بیان موضوع:

با توجه به اینکه موضوع این پایان نامه بررسی تطبیقی روح در قرآن و عهدین است سعی بر آن می شود که تعریف دقیقی از واژه ی روح ارائه گردد و به بررسی معنای آن در آیات قرآنی و عهدین پرداخته شود تا تفسیری روشن از روح بوجود آید.

سوالات اصلی:

- آیا روح و نفس در یک معنایند یا دارای معانی متفاوتی هستند؟
- آیا روح قبل از جسم بوجود آمده یا نه؟
- آیا روح بعد از فنا جسم باقی است یا نه؟
- آیا ارتباط با ارواح مردگان امکان پذیر است؟
- ارتباط با ارواح در میان مرتاضان بر اثر چه عاملی صورت می گیرد؟

سوالات فرعی:

- آیا دیدگاه مفسران در مورد روح امری تنها در آیه ی "یسئلونک عن الروح" است یا در غیر آن نیز صدق می کند؟
- دیدگاه مفسران در مورد ماهیت و وجود عالم ذر چیست؟
- آیا معاد، جسمانی صرف یا روحانی صرف یا هم روحانی و هم جسمانی است؟
- آیا صراحت عالم ذر در آیات قرآن و عهدین وارد گشته است؟
- ارتباط میان سه واژه ی روح، عیسی و کلمه چیست و دیدگاه مفسران در این رابطه چیست؟
- روح در کلام عرب در چه معانی مختلفی به کار گرفته شده است؟
- آیا جسمانی و روحانی بودن معاد مورد اتفاق ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت است؟

ترجمه شده

به نظر می رسد که روح و نفس مترادف نبوده اما می توان گفت یکی هستند هرچند که دیدگاه های مختلفی نیز در این زمینه وجود دارد.

به نظر می رسد که روح قبل از جسم خلق شده باشد.

به نظر می رسد روح بعد از فنا جسم باقیست.

به نظر می رسد که با توجه به آیات قرآن ارتباط با ارواح مردگان امکان پذیر است.

به نظر می رسد که ارتباط با روح در میان مرتاضان بر اثر یک سری تمرین های زجرآور است که خلاف شرع می باشد.

به نظر می رسد که از بین سه مفسر فخر رازی و آلوسی و علامه طباطبایی تنها علامه علاوه بر آیه ی "یسئلونک عن الروح... " آیات دیگری نیز ذکر می کند که منظور از روح در آن آیات، روح امری است.

به نظر می رسد که دیدگاه برخی از مفسران متقدم بر وجود عالم ذر قبل از این جهان است اما برخی از مفسران متاخر معتقدند که عالم ذری به آن معنا که قبل از این جهان وجود داشته باشد نیست بلکه تنها انسان ها در فطرت خود به وحدانیت خداوند شهادت داده اند.

به نظر می رسد که معاد نه جسمانی صرف و نه روحانی صرف است بلکه هم جسمانی و هم روحانی است.

به نظر می رسد که برخی از آیات قرآنی و عهدین به این واقعه اشاره نموده باشند.

به نظر می رسد که ارتباط میان سه واژه ی کلمه ، عیسی ، روح ارتباطی هماهنگ است و هم کلمه و هم روح دلالت بر عیسی دارند چون روح با کلمه امر (کن) خداوند بر مریم عارض شد و باعث بوجود آمدن عیسی گردید و از این جنبه است که هم بر عیسی ، روح و هم کلمه اطلاق شده است.

به نظر می رسد که روح در عرب به معنای نفس ، نَفَس و حیات به کار گرفته شده است.

به نظر می رسد که روحانی و جسمانی بودن معاد مورد اتفاق ادیان اسلام ، مسیحیت و یهودیت است.

سابقه و پیشینه تحقیق:

در ارتباط با این موضوع پایان نامه ای تحت عنوان "دیدگاه مفسران در مورد روح" نگاشته شده است و علاوه بر آن کتابهایی تحت عنوان اصالت روح از نظر قرآن از آیت الله سبحانی و روح و شبح از دیدگاه علماء و ادیان از فریدون سپری به رشته تحریر در آمده است اما کتاب یا پایان نامه ای یا تحقیقی با موضوعیت "روح در قرآن و عهدین" نگاشته نشده است.

ضرورت تحقیق:

از آنجا که روح از واژه های پر رمز و راز است و ذهن بشر را در تمام ادوار به خود مشغول ساخته است لذا برای روشن تر کردن این واژه بر آن شدیم که بیانات قرآن و عهدین را در این رابطه مورد بررسی و مقایسه قرار دهیم.

اهداف:

- ۱- اثبات وجود روح قبل از جسم و مجرد آن و اثبات بقاء روح بعد از فناء جسم در بین ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت.
- ۲- اثبات جسمانی و روحانی بودن معاد در میان ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت.
- ۳- بررسی آراء مفسران در مورد معنای روح در آیات قرآنی و رسیدن به معنای حقیقی آن.

فصل دوم:

واژه شناسی روح

برای دستیابی به تحلیلی متقن از روح در قرآن، لازم است از پیشینه معنایی، و معنای اصلی و جانبی روح در زبان عربی، قرآن، تورات و انجیل آگاهی یابیم.

ریشه روح:

ابن فارس در معجم المقاییس گوید: ریشه این واژه (ر- و- ح) است. وی واژه اصلی این باب را ریح دانسته که در اصل ((روح)) بوده و " واو " بدلیل کسره ماقبل به " یاء " بدل شده است. بنظر ایشان روح از ریح مشتق شده است!

معنای اصلی روح:

در مورد معنای روح و مشتقات آن، نظرهای مختلفی ارائه شده است. ابن فارس در معجم المقاییس اللغه می نویسد: ((الراء والواو والحاء اصل کبیر مطرد یدل علی سعه فسحه))، یعنی کلماتی که سه حرف اصلی آنها (ر- و- ح) است دارای یک معنایند و آن معنا، وسعت انبساط و گستردگی است.^۲

فرهنگ ابجدی عربی- فارسی گوید: «الارواح، م روحاء، ح [روح] یعنی آنچه فراخ باشد، آنکه در راه رفتن دو پایش را گشاده بگذارد»^۳.

محقق معاصر، حسن مصطفوی نویسنده کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» به اظهارنظر در معنای این کلمه پرداخته است. وی پس از نقل اقوال لغویون می نویسد: ان الاصل الواحد فی هذه المادة، هو الظهور و جریان امر لطیف» یگانه معنای اصلی این ماده، جریان امری لطیف و ظهور آن است.

ایشان جریان رحمت، جریان وحی، ظهور مظاهر قدسی، تجلی فیض حق و... را از مصادیق روح می داند وی فسحت و وسعت را از آثار ظهور و جریان دانسته است اما لغت پژوهان دیگری چون خلیل بن احمد، ازهری، صرفا به ذکر مصادیق این ماده پرداخته اند و در مقام تعیین معنای اصلی این باب نبوده اند.

۱. معجم المقاییس اللغه، ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریای رازی، (دارالکتب العلمیه، مجلد اول، ۱۹۹۰)، ص ۴۹۴

۲. همان، ص ۴۹۵

۳. فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ترجمه المنجد الابجدی، پدید آور بستانی و فراد افرام (۱۳۷۰)، ص ۴۶

معنای جانبی روح:

راغب گوید: «الرُّوحُ و الرُّوحُ هر دو در اصل به یک معنایند، ولی رُوح برای اسمی است که برای دم و نفس استفاده می‌گردد.»^۱

قرشی در قاموس قرآن ذیل آیه ۸۷ سوره یوسف [وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ] گوید: روح (بفتح راء) یعنی راحتی و اصل باب از ریخی است که رحمت می‌آورد. بنابراین قاموس رُوح را به معنی راحتی و رحمت گرفته است. اما رُوح (بضمه) را در عرف بمعنی روان و روح در مقابل جسم و جوهر مجرد دانسته است.

بنظر می‌رسد دیدگاه راغب در این باره نسبت به دیدگاه قرشی برتر باشد چرا که هر دو واژه‌ی «رُوح و رُوح» در معنا منشأ واحدی دارند و نیز هر دو بمعنی نسیم و بویی هستند که به همراه خود رحمت و راحتی می‌آورند.

سیر تطور واژه‌ی روح:

بنظر می‌رسد که معنی ابتدایی روح جریان باشد چون از آنجا که روح از ریح گرفته شده است و هردوی آنها دارای ویژگی‌های یکسانی هستند یعنی همانگونه که ریح خود محسوس نیست ولی آثار آن که به حرکت در آوردن درختان و گردوغبار است قابل مشاهده است، روح نیز همین گونه است، خود قابل رویت نیست ولی آثار آن یعنی حیات و تفکر و تعقل محسوس است پس وقتی آثار آنها چیزی است که به جریان در می‌آید بنابراین خود آنها (روح و ریح) نیز باید جریان داشته باشند و از آن جهت که روح باعث به جریان انداختن حیات شده به مرور زمان در معنای حیات بکار گرفته شده است.

معنای کاربرد روح در کلام شریعت:

لغویون در معنای روح بیشتر به کاربردهای قرآنی و حدیثی توجه داشته‌اند و از متون ادبی قبل از اسلام در این باره می‌توان به بیتی از عنتره بن شداد اشاره نمود:

احبك يا ظلم فانت عندي مكان الروح من جسد الجبان^۲

شاعر گوید ای شترم دوستی تو نزد من شبیه به انسان ترسیده‌ای است که برای نجات جاننش (بخاطر دوست داشتن جاننش) فرار می‌کند در این جا روح به معنی جان بکار گرفته شده است

۱. مفردات، راغب اصفهانی (المکتبه المرتضویه، چاپ دوم، ۱۳۸۱) ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. دیوان عنتره بن شداد، تحقیق حاتم الضامن (دارالعلم، ۱۹۷۸)، ص ۱۲۸.

وشاعر شترش به اندازه جانش دوست دارد. با این حال آنچه از کلام عرب بدست می آید این است که روح در سه معنا بکار می رود:

الف) جهان یا عامل حیات ب) نفس ج) نفس

شاید بتوان گفت که معنای مطابقی روح، همان معنای اول است یعنی حیاتی که در موجودات جاندار وجود دارد.^۱

فیروز آبادی در تعریف معنای اول می نویسد: «ما به حیاه الانفس»^۲

خلیل بن احمد در معنای دوم آورده است: «الروح: النفس التي يحيى به البدن. يقال: خرجت روحه: نفسه»^۳ س در لسان العرب از قول ابن انباری آمده است «الروح والنفس واحد غير ان الروح مذكر ونفس مؤنث»

اما در معنای سوم، ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «الروح في كلام العرب، النفخ»

در بیت شعری از «ذو الرمه» آمده است که راغب آنرا نقل کرده:

«فقلت له: ارفعها اليك واحيها بروحك واجعلها لها فتيه قدرا»

«احيها بروحك» یعنی آتش را با دمیدن در آن شعله ور ساز

وجود معنایی روح در قرآن

همانطور که قبلا اشاره شد واژه روح ۲۱ بار در قرآن بکار رفته است، در تمامی این موارد مصداق واحدی مراد نیست و این واژه در مصادیق مختلفی بکار گرفته شده است که عبارتند از:

۱. در معنای فرشته (فرستاده پروردگار نزد حضرت مریم):

[فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا]^۴

ما روح خود را نزدش فرستادیم و چون انسانی تمام بر او نمودار شد

و آیه ذیل به عنوان شاهد در مورد گفتگوی فرشته با حضرت مریم است که به مریم گفت

من رسول پروردگار تو هستم.

[قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ]

۱. تفسیری از روح، دکتر محمد کاظم شاکر (پژوهش فلسفی و کلامی، شماره ۱۳۷۸، ۲)، ص ۳.

۲. قاموس المحيط، فیروز آبادی (دارالاحیاء التراث العربی، جلد اول)، ج ۱، ص ۳۳۵.

۳. العین، خلیل بن احمد (موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴)، ج ۳، ص ۲۹۱.

۴. مریم، آیه ۱۷.

بگو: آن را روح القدس به حق از جانب پروردگارت نازل کرده است تا مؤمنان را استواری ارزانی دارد و مسلمانان را هدایت و بشارت باشد

۲. جبرئیل:

[نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ]¹

[قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ]²

که آیه ذیل این معنا را تصدیق میکند:

[قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى

لِلْمُؤْمِنِينَ]³

به آنان که با جبریل دشمنی می‌ورزند، بگو: اوست که این آیات را به فرمان خدا بر دل تو نازل کرده است؛ تا کتابهای دیگر آسمانی را تصدیق کند و برای مؤمنان رهنمون و بشارت باشد.

۳. تائید عیسی و مؤمنان به روح القدس:

[وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ]⁴

و به عیسی بن مریم معجزه‌ها دادیم و او را به روح القدس یاری کردیم.

[إِذْ كَرَّرْنَا نِعْمَتَنَا عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْنَاكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ]⁵

نعمتی را که به تو و مادرت ارزانی داشته‌ام یاد کن، آن زمان که به روح القدس یاریت کردم.

[أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ]⁶

خدا بر دلشان رقم ایمان زده و به روحی از خود یاریشان کرده است.

۴. وحی (شریعت و دین)

[وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ]⁷

۱. شعراء، ۱۹۳

۲. نحل، ۱۰۲

۳. بقره، ۹۷

۴. بقره، ۸۷ و ۲۵۳

۵. مائده، ۱۱۰

۶. مجادله، ۲۲

۷. شوری، ۱۵

همچنین کلام خود را به فرمان خود به تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب و ایمان چیست. ولی ما آن را نوری ساختیم تا هر یک از بندگانش را که بخواهیم بدان هدایت کنیم و تو به راه راست راه می نمایی.

[تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ.]^۱
فرشتگان را همراه وحی - که فرمان اوست - بر هر یک از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد تا بپرسد: جز من خدایی نیست، پس از من بترسید.

[رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ.]^۲
فرابرنده درجات، صاحب عرش که بر هر یک از بندگانش که بخواهد به فرمان خود وحی می فرستد تا مردم را از روز قیامت بترساند.

در این آیات قید من آمده و من امرنا روشن می کند که این روح از امر خدا، وحی است

۵. موجودی مستقل در ردیف فرشتگان:

روح در آیاتی از قرآن در کنار فرشتگان ذکر شده است که به ظاهر نشان دهنده ی آن است که آفریده ای از آفریدگان خدا و غیر از فرشتگان است آیات ذیل از این دسته اند:

«تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا»^۳
در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، فرشتگان و روح بدان جا فراروند. پس صبر کن صبری نیکو.

[تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رَبَّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ]^۴

در آن شب فرشتگان و روح به فرمان پروردگارش برای انجام دادن کارها نازل می شوند.

[يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا]^۵
روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند، و کس سخن نمی گوید مگر آنکه خدای رحمان به او رخصت دهد و او سخن به صواب گوید.

۱. نحل، ۲

۲. غافر، ۵۲

۳. معارج، ۴ و ۵

۴. قدر، ۴

۵. نبأ، ۲۸